



نبرد بابی دینی

درباره کسروی و کسروی گرایی

تألیف

دانشمند مجاهد

حاج آقا شیخ مهدی سراج انصاری

تحقیق از:

سید ملک محمد مرعشی

تهران ۱۳۹۱

سرشناسه : سراج انصاری، مهدی، ۱۲۷۴-
 عنوان و نام پدید آورنده : نبرد با بی دینی : درباره کسروی و کسروی گرایان / تألیف : مهدی سراج انصاری
 تحقیق از سید ملک محمد مرعشی.
 مشخصات نشر : تهران : راه نیکان ، ۱۳۹۱ .
 مشخصات ظاهری : ۴۳۶ ص
 شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۹۸-۵۹-۳
 نوعیت فهرست نویسی : فیا
 موضوع : کسروی ، احمد ، ۱۲۶۹-۱۳۴۴ - نقد و تفسیر.
 موضوع : بی دینی
 شناسه افزوده : مرعشی ، ملک محمد
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۰ س ۴۵ / ۱۴۸۶ DSR
 رده بندی دیویی : ۹۵۵۱۰۸۲۲۰۹۲
 شماره کتابشناسی ملی : ۲۵۴۴۳۸۹
 تاریخ درج اول : ۱۳۹۰/۸/۱۲
 تاریخ پاسخگویی : ۱۳۹۰/۱۱/۲۸
 کد پیگیری : ۲۵۴۳۶۰



نشر راه نیکان

بخش فرق ضالّه

نبرد با بی دینی

(درباره کسروی و کسروی گرایان)

تألیف : مهدی سراج انصاری
 به تحقیق : سید ملک محمد مرعشی

چاپ اول : ۱۳۹۱ شمارگان : ۲۰۰۰ نسخه

ISBN : 978-964-2998-59-3

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۹۸-۵۹-۳

قیمت : ۶۵۰۰ تومان

شماره ثبت مجوز : ۱۱۳۹۲۲۰

Info@nashr-nikan.com

www.rahenikan.com

سخن ناشر

توضیح ناشر تحت عنوان «بازداشت ناشر» یا «سخن ناشر» بر رسائل یا کتبی که جهت چاپ و نشر انتخاب می‌کند، می‌باید تعریف کننده نام یا موضوعات مورد بحث باشد. کتابی که به نام «نبود با بی‌دینی» در دست دارید، چون نمی‌تواند از این قاعده مستثنی باشد، اشاره به «چیستی دین» و موضوعات مربوط به آن، نظر «فطری بودن دین» یا «کاربود دین» و... می‌تواند عنوان جذاب و مفیدی برای توضیح کوتاه ما بر کتاب حاضر باشد.

دین صرف نظر از این که گفته‌اند: «واژه‌ای فارسی بوده است که در زبان عربی عصر جاهلی به کار می‌رفته»^۱ واژه خالص عربی است که به صورت مختلف در زبان‌های دیگر نیز کاربرد داشته و در عربی به معنای «جزء آیین، عادت، عبادت و طاعت آمده است»^۲ و در

۱- دائرة المعارف تشیع: ۶۱۲/۷

۲- القاموس المحيط / فیروزآبادی: ۲۲۵/۴

اصطلاح به برخی امور مقدس گفته می شود که ارتباط تنگاتنگ با ذات انسان دارد، خواست معنوی انسان را پاسخ می دهد. به لحاظ این موقعیت خاص «دین» نمی توان آئین های محلی، مکاتب، فرقه ها، مسلک ها را که برخلاف ادیان ابراهیمی - یهود، مسیحیت، مجوس البته تحریف نشده - کاملاً با ذات انسان غریبه هستند و پاسخگوی خواسته های معنوی انسان نمی باشند دین نامید؛ چنانکه در قرآن کریم به صراحت آمده است «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ»^۱ هرکس غیر از اسلام دینی جوید از او پذیرفته نشود.

علاوه، مساله فطری بودن دین، توجه می دهد دین همان چیزی را ارائه داده است که انسان ها دائماً در پی آنند؛ مانند میل به پرستش که یکی از معانی فطری بودن دین می باشد^۲

و این که انسان برای راه یافتن به سعادت در پی قوانین و مقرراتی است که او را قانع و راضی کند، چون جوامع دیندار نشان داده، دین همان راه مطمئنی است که انسان ها را قانع و راضی نموده، سخت در تکاپوی یافتن آن بوده و هستند. و لذا انسانهای دیندار، هم در بخش اعتقادات که مربوط به حقایق پنهان و بیدار در عالم است و هم در بخش رفتار فردی خود، بهتر توانسته اند به وسیله وحی و دستورات دینی آنچه را شایسته است مورد توجه قرار داده، به آن عمل کنند.

۱- سوره آل عمران: ۸۶

۲- سوره روم: آیه ۳۰ «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لَخُلُقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ» پس پا کدلانه تمام توجهت را به سوی دین کن؛ این فطرت الهی است که خداوند انسان را بر آن آفریده است، تبدیلی در خلقت خدا نیست؛ این همان دین استوار است.

پس آنچه انسان را از این هدف دور سازد اقدامی است در مقابل این که انسان را به کمال کامل می‌رساند.

تعریف دین

با توجه به این مهم که پیرامون تعریف دین گفته‌اند: «اگر محال نباشد به غایت دشوار است»^۱ و این که اندیشوران و متفکران، تلاش‌های زیادی در جهت ارائه تعریفی از «دین» داشته و دارند و هریک از اندیشمندان از منظر خاصی به دین، تعریفی همسو با همان زاویه نگرش به دست آورده ارائه داده‌اند، با توجه به اصل «هر تعریفی از دین باید به درستی بر دین منطبق شود»، عالمان دین غالباً در تعریف دین به متن درون آن نظر کرده، کوشیده‌اند دین را آنچنان که خود معرفی می‌کند و براساس درون‌مایه‌ها و مؤلفه‌های داخلی‌اش می‌باشد، توصیف کنند.

ولی با این که کوشیده‌اند در مقام تعریف دین، هیچ‌یک از مؤلفه‌های اساسی آن را فرو نگذارند، توجه داده‌اند: «ارائه تعریف جامع و مانع از دین به این سادگی امکان‌پذیر نیست»^۲ براساس همین اظهار، می‌باید در تعریف دین تذکر داد، اندیشمندان جهان اسلام توانسته‌اند «تا حد امکان مهم‌ترین ویژگی‌ها و اوصاف دین را بنمایانند»^۳ چرا؟، چون

۱- دین‌شناسی / حمید شاکرین: ۱۲

۳- همان مأخذ

۲- همان مأخذ: ۱۵

«هیچ‌کس نیست که به دینی نیازمند نباشد.»^۱ به همین اعتبار متفکران و اندیشمندان در ارتباط ضرورت دین با زندگی به نتیجه رسیده‌اند: «زندگی بدون دین ملال‌انگیز و پست است، مانند جسدی است بی‌روح».^۲ این اعتراف - که کم هم نیست - موجب شده انسان را دین‌ورز تعریف کرده، توجه دهند «گذشتگان ما از آن زمان به درگاه خداوند سر فروذ آورده بودند که حتی برای خدا، نامی نتوانسته بودند بگذارند».^۳ نتیجتاً این قبیل گزارشاتی که پیرامون دین داده شده، همان است که «ارنست رنان» قرار کرده «محال است علاقه به دین متلاشی یا محو شود، بلکه همواره و همیشه باقی خواهد ماند».^۴

یا این که نتیجه گرفته‌اند: «دین بهترین معنی برای زندگی کردن»^۵ است. و نظیر چنین اعترافات که استعمارگران را به خود آورده تا به نتیجه‌گیری «میلتون پینگر» حساس شوند که گفته است: «دین انسان را به یک فلسفه حیات مسلح می‌کند و به عقل‌ری روشنگری لازم را می‌بخشد. دین برای یک فرد نقشی را ایفا می‌کند که قطب‌نما برای یک کشتی و در دریای زندگی جهت و راهنمایی در اختیار او نهد. دین براراده انسان تأکید می‌نهد».^۶

استعمار سلطه‌جو از این اظهارات تکان‌دهنده پیرامون دین به خود

۱- کلام «اریک فروم» درج در یادداشتها / شهید مطهری: ۱۶۲/۴

۲- کلام «ویل دورانت» درج در «آرامش روانی و مذهب» دکتر صفدر صانعی: ۸

۳- کلام «مارکس: مولر» درج در فرهنگ نماز / علاءالدین حجازی: ۲۷

۴- یادداشتها / شهید مطهری: ۴ ۵- دین‌شناسی / شاکرین: ۳۴

۶- دین و چشم‌اندازهای نو / ترجمه غلامحسین توکلی: ۱۶۲

آمده، این‌گونه دریافت‌های متفکران و اندیشمندان از دین را نه فقط خطری جدی تشخیص داده، بلکه مقدمه‌ای برای قیام ملت‌های زیر سلطه دانسته، در فکر مقابله و چاره‌اندیشی می‌افتد.

چنانکه استاد شهید مطهری نیز در این باره می‌نویسند: «تأثیر مهم دین و نقش دین در اجتماع این است که نوعی انقلاب فکری و وجدانی به وجود می‌آورد که عواطف و احساسات و هدف‌ها و ایده‌آل‌ها و معیارها دگرگون می‌شود و جهان‌بینی عوض می‌شود آدمی خود را دارای رسالت احساس می‌کند، زندگی اجتماعی جهت خاص پیدا می‌کند.»^۱

این تأثیرگذاری دین، انسان را مترجه واقعیت‌های ضدسلطه و استبداد داخلی و خارجی نموده، پی می‌برد نقش دین و پیامبران در مبارزه با استبدادها و اختناق‌ها و درگیری با مظاهر طغیان، از اساسی‌ترین نقش‌هاست.

استعمارگر مربوط به هر نظام سلطه‌ای باشد، با توجه به این اظهار که گفته‌اند: «اگر دین نباشد همه چیز مباح است»^۲ مانع را می‌شناسد و لذا استعمارگران، کاملاً به این نکته پی برده بودند تا همه چیز مباح نشود، راه ورود به جامعه اسلامی و سلطه بر مسلمانان امکان‌پذیر نیست. در واقع اگر جامعه‌ای گرفتار پیروی از هوای نفس و در نتیجه فساد و فحشا شد، هم نیروی فهم خویش را از دست می‌دهد و هم به ذلت و

۱- یادداشتها / شهید مطهری: ۱۲۳/۴ و ۱۲۴

۲- تعلیم و تربیت در اسلام: ۱۱۸

خواری مبتلا خواهد شد و مقابل تسلط بیگانه، هیچ‌گونه عکس‌العملی از خود نشان نخواهد داد؛ به همین جهت دنیاخواوران سلطه‌جو، یکی از بهترین راه‌های تسلط بر ملت‌ها را اشاعه دو فحشاء یافته‌اند. رچون دانستند رواج دادن فساد و فحشا با وجود حضور دین و دینداری در جامعه عملی نیست یعنی دین تنها مانع سخت بر سر راه سلطه و استثمار است، لذا با چهار اقدام حساب شده جدی کارساز وارد عمل می‌شود:

۱) تحریف دین ازیرا به نتیجه رسیده است دین، چنان‌چه اصیل و تحریف نشده باشد، انسان‌ها را به عبودیت الهی و آزادی از همه قیود مادی و دست و پاگیر دعوت می‌کند. چون از قیودات نفس رهائی یافت، آنها را عزیزالنفس، آزاده، محکم، با صلابت و مبارز و جهادگر می‌پروانند؛ به همین خصوصیت دین، استثمارگران همواره به دنبال تضعیف و تحریف دین و ارزش‌های دینی بوده و هستند.

در قرن اخیر، شاهد تبلیغات وسیع مارکسیسم بر ضد مذهب بودیم و امروزه نیز فعالیت قدرت‌های استعماری بر ضد دین اسلام برکسی پوشیده نیست. مباحثی که به تازگی تحت عناوین قرالت‌های مختلف از دین، پلورالیسم دینی، تساهل و تسامح، نسبی‌گرایی، شک‌گرایی و... مطرح می‌شوند، همه به نوعی در راستای تضعیف و تحریف دین و ایمان مردم به ادیان آسمانی به ویژه دین اسلام هستند.

۲) اشاعه فساد و فحشاء؛ بعد از این که استثمارگران یقین کردند اگر جامعه‌ای گرفتار فساد و فحشاء شود، نیروی فهم خویش را از دست

می‌دهد و به ذلت و خواری تن داده، در مقابل تسلط بیگانه، هیچ‌گونه عکس‌العملی از خود نشان نخواهد داد؛ رسانه‌های جمعی را بهترین وسیله اشاعه‌ی برنامه‌های هرزه‌نگارانه^۱ و جنسی^۲ تشخیص داده و از آنها به نحو احسن استفاده کردند. و متأسفانه آمارهای موجود نیز بیانگر این است که این برنامه‌ها تأثیر خود را داشته است؛ برای نمونه استفاده‌کنندگان از اینترنت در جهان سوم بیشترین بازدیدها را از سایت‌های متذل و خلاف اخلاق داشته و دارند.

۳) دین‌سازی: تردیدی نیست مفهوم دین از مفاهیمی است که در شمار «نگرانی‌های امنیتی» حکومت‌های سکولار قرار دارد؛ به همین لحاظ در ادبیات سیاسی و امنیتی دولت‌های سکولار، از حامیان متعصب دین به عنوان نیروهای واگرا و گریز از مرکز یاد می‌شود. و لذا پذیرفته‌اند می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در تفرقه یا اتحاد ملی - مذهبی ایفا کنند. در واقع ابزار تضعیف یا تقویت قدرت‌های سیاسی باشند. و لذا در طول چهار قرن اخیر، استعمار برای رسیدن به اهداف خود، به تقویت فرقه‌های سابقه‌دار در اسلام مانند صوفیه، اسماعیلیه پرداخته و برای ایجاد تفرقه بین مسلمانان و داشتن وسیله‌ای جهت پیشبرد نظرات استکباری، مسلک‌سازی با نام «دین» را کارساز دیده است و لذا مسلک استعماری «وهابیت» را در جوامع اهل سنت، و «بهانیت» را جهت برخورد با تشیع ساخته است. پس دین‌سازی در جهت تأمین مقاصدی صورت می‌گیرد که ادیان الهی آن ایده‌ها و

طرح‌ها را ضد دین دانسته و برای کسی که به آنها پردازد، یا در جامعه اسلامی رواج دهد مجازات قائل شده است. زیرا آنچه را دین‌سازی به نفع استعمار تأمین می‌کند، مهمانی مانند «از دست رفتن ارزش انسان» است که مقدمه تن دادن به «روحیه تجاوزگرانه و سلطه‌جویانه» می‌باشد؛ همه خصوصیت‌های فطری انسان را در جهت پیشبرد سلطه‌جویان به کار می‌گیرد. «وادادگی و همرنگی با قدرت‌های مسلط» را همراه می‌آورد، مسلمان در خدمت لائیک، همان کاری را پیشه می‌سازد که نتیجه‌اش «نبود اندیشه روش‌مند» است. چون چنین شد، انسان اندیشه همه‌جانبه‌مندی بر روش‌مندی علمی را از دست می‌دهد. تحلیل‌های وی از مسائل، ناقص و ناپخته می‌شود و موضوعی که برپایه این تحلیل‌ها اتخاذ می‌کند، هم به نفع استعمار می‌باشد و هم او را گرفتار «انفعال و نوسان میان افراط و تفریط» می‌سازد. انفعال به معنای عدم رویارویی فعال با واقعیت؛ در معنا دچار روزمرگی و اسیر وضع موجود شدن، که خواست استعمار از دین‌سازی است، می‌شود.

چون چنین حالی دامن شخص را گرفت، اعتدال و میانه‌روی را از دست می‌دهد مانند کاهی در برابر باد حوادث، به این سو و آن سو هر نوسان خواهد بود. اینجاست که برای آرام کردن خود، گرفتار «خرافات» می‌شود؛ عقب‌ماندگی، درماندگی نتیجه افراط و تفریط را به عوامل غیبی نسبت داده؛ برای آن قصه‌ها می‌سازد، خویش را در جایگاه و مقامی قرار می‌دهد که به «انزوا»ی او از فرد و جامعه

می‌انجامد، دیدش تنها به خود و محیط پیرامونش محدود می‌شود. و این بهترین نتیجه‌ای است که استعمار در انتظارش دقیقه‌شماری کرده است؛ زیرا انزوا گزیده، به دنبال تأمین سلامتی، آزادی، آسایش فرد عضو جامعه نیست؛ بلکه بیشتر به درون خود می‌خزد و با استفاده از انواع معالطه‌ها و لجاجی‌ها، خواهان چیرگی بر نظریات دیگر است که مقاصد و اهداف استعمار را تأمین می‌نماید.

و این پرا واضح است وقتی شخص یا جامعه گرفتار چنین بلیه‌ای، فتنه‌ای یا مرضی شد، خصیلت «تعمیق خودخواهی»، اجتماعی را بر آن می‌دارد تا در همه‌ی عرصه‌ها - حتی در برخورد با نزدیکترین کسان خود - تنها به منافع شخصی خویش بیندیشد. «اگر دنیا را آب ببرد، او را خواب می‌برد». که این تنها آزوی استعمار است.

به هر روی در کنار این آثار ادیان بدلی و مسلک‌های استعماری که در جوامع اسلامی از دوران بنی‌امیه تا امروز وجود داشته، مسأله «چیرگی شهوت‌ها» که از جمله خصوصیت‌های دین بدلی است انسانِ خوار و ذلیل و ادا ده هم رنگ با قدرت‌های استعمار را چنان امیر شهوت‌ها می‌سازد که همه اندیشه‌ها و برنامه‌هایش، و به اصطلاح فکر و ذکرش را فرا می‌گیرد؛ جز لذت‌های حیوانی، لذتی نمی‌شناسد. و لذا دریچه‌های معرفت بسته می‌شود، قدرت انتخاب بهترین شنیده‌های سعادت‌خیز را از انسان می‌گیرد، و در چنین شرایطی نمی‌توان شکل‌گیری حالتی دینی را انتظار داشت؛ زیرا حالت دینی، حالتی علمی - فکری است و نیازمند فضایی است که در آن، انسان به ارزش

خود پی برد و به شیوه روشمندی بیندیشد و از هرگونه انفعال و افراط و تفریطی پرهیز نماید تا بتواند ندای دانش و معرفت را لبیک گوید و از اوهام و خرافات فراری باشد؛ که این در دین بدلی جایگاهی ندارد. زیرا کوشش دین یا مسلک ساخته استعمار، تحریف اندیشه‌ها و عقاید دینی است. که نتیجه‌اش گشودن دروازه‌های ذلت و خواری به روی استعمار سلطه‌جو است. که «وهاییت»، «باییت» و «بهائیت» از عهده‌اش برآمدند.

۴) تردیدی نیست تمامی پیروان ادیان آسمانی را نمی‌توان به یک ترفند که نوعی از توطئه‌های استعمار باشد نسبت به دین بدبین و دلزده نمود. و لذا استعمارگران برای دستیابی به مطامع خویش که تسلط بر ملت‌هاست، از همه امکانات موجود استفاده می‌نمایند؛ برای نمونه وسیله به انحراف کشاندن ناآگاهان، که دارای بینش و بصیرت کافی نیستند و بدون ترفندی یا وسیله‌ای ناخواسته در مسیر اهداف استعمارگران گام برمی‌دارند و به آنان در رسیدن به اهدافشان یاری می‌رسانند، و فرومایگان که به تعبیر علی امیرالمؤمنین علیه السلام «احمقان بی سر و پایی [می‌باشند]، به دنبال هر صدایی می‌روند و با هربادی به سوئی متمایل می‌شوند»^۱ با مقدس‌نماها که به ظواهر دین چسبیده، ولی از معارف دین بویی نبرده‌اند و روشن‌فکران بی‌دین که در طول تاریخ و در درگیری‌های بین حق و باطل، همواره کفه ترازوی باطل را سنگین کرده‌اند و منورالفکران غرب‌زده که عمده‌ترین عامل وابسته

کردن کشورهای جهان سوم به استعمار در قرن‌های سیزدهم و چهاردهم هجری قمری بوده‌اند، همچون فتحعلی آخوندزاده، میرزا آقاخان کرمانی، طالبوف تبریزی، مهدی ملک‌زاده، محمدعلی فروغی، حسن تقی‌زاده، تقی ارانی و احمدکسروی که از همین قماش است و... مسلماً این گروه با امثال علی دشتی و دیگرانی مثل نامبرده... تفاوت ندارند، هرکدام این دار و دسته‌ها به وسیله‌ای در خدمت استعمار درآمده و خواهند آمد. روشن‌فکران و غرب‌زدگان، عامل عقب‌ماندگی کشورهای عقب‌افتاده، به ویژه کشورهای اسلامی را دین اسلام می‌دانند؛ برای نمونه فتحعلی آخوندزاده می‌گفت: «رخت بستن ذلت و فقر تحقق نیابد، مگر به هدم اساس اعتقادات دینی که پرده بصیرت مردم شده، ایشان را از ترقیات و امور دنیویہ مانع می‌آید.»^۱

احمدکسروی معتقد بود و رواج می‌داد: «عامل نکبت و عقب‌ماندگی شرق از غرب، اسلام است.»^۲

در شناخت استعماری بودن چنین دیدگاهی و وابستگی آن، همین بس که توجه داده شود مگر همه کشورهای عقب‌مانده، مسلمان هستند که دین اسلام عامل عقب‌ماندگی آنان باشد. علاوه اگر اسلام، عامل عقب‌ماندگی است، پس چرا، قرن‌های متمادی، مردم مسلمان، پرچمداران علم و دانش و پیشرفت در جهان بودند؟! بلکه باید گفت

۱- اندیشه‌های میرزا فتح‌علی آخوندزاده / فریدون آدمیت: ۱۹۲

۲- پیرامون اسلام: ۶

یکی از عوامل عقب ماندگی مسلمانان وجود همین بستر سازان حضور استعمارگران و تاراج کنندگان ثروتهای کشورهای اسلامی بوده است که به دستور و طبق برنامه استعمار، دین سازی نموده اند.

«نبرد بای دینی» خط ابطال کشیدن براین دین ها و مسلک های انگلیسی است که بر اساس اباطیل و لاطانات امثال احمد کسروی ساخته شده و امروز در خدمت دشمنان سوگند خورده مسلک ساز دین مبین اسلام است.

به گیتی هر آن جز به یکی نفس قدم زن تو در راه نیکان و بس

مدیر

نشر راه نیکان

۱۱ فروردین ۱۳۹۰

فهرست

سخن ناشر	۵	پدر کسروی وسیله‌ای برای	۵۵
پیش‌نوشتار	۲۱	نقش‌پذیری او از بهائیان	۵۵
مقدمه‌ای بر «نبرد با بی‌دینی»	۲۵	گرایش کسروی به وهاب‌گری	۵۷
کسروی را شناسید	۲۹	تأثیرپذیری کسروی از روشنفکران	۶۳
کسروی از تولد تا دانش‌آموزی	۳۱	کژاندیش	۶۳
تحصیلات	۳۵	غرب‌گرایی کسروی با نكوهش	۶۸
کسروی از تظاهر	۴۱	غرب	۶۸
به مشروطه‌خواهی	۴۱	کسروی در لژ فراماسونری	۷۲
کسروی از ترک ملایی تا ورود	۴۵	کسروی کارگزار استعمار	۷۹
به مدرسه آمریکایی‌ها	۴۵	نقاط ضعف کسروی	۸۲
کسروی از آموزگاری تا رسوائی	۴۷	خودبزرگ‌بینی	۸۲
زن‌بارگی	۴۷	سطحی‌نگری	۸۴
زمینه‌سازان اعتقادات کسروی	۵۱	خصوصیت نفاق در کسروی	۸۸
تأثیرگذاری پدر	۵۲	خشونت کسروی با پوشش ژست	۹۳
پدر کسروی و شیخیان آذربایجان	۵۳	اصلاح طلبانه	۹۳

تلاش‌های کسروی برای تسلط	برای او..... ۱۲۷
رضاخان..... ۹۶	توهین به مقدسات از جمله فروع
کسروی ملی‌گرا و باستان‌ستائی	دینی کسروی..... ۱۲۸
دین‌ستیز..... ۹۸	جشن کتاب‌سوزی..... ۱۳۰
علاقه کسروی به ناسیونالیسم	چگونگی برگزاری مراسم
ایرانی..... ۱۰۱	کتاب‌سوزی..... ۱۳۳
زمینه‌سازی کسروی برای ادعای	مولف و چگونگی آشنائی وی با
برانگیختگی..... ۱۰۴	کسروی..... ۱۳۳
نفی اسلام و خاتمیت..... ۱۰۶	شکایت کسروی از مرحوم
اظهارات کسروی پیرامون توهم	انصاری..... ۱۳۶
تاریک پیامبری..... ۱۰۸	پایان درگیری مرحوم انصاری و
برخورد کسروی با موانع اسلام..... ۱۱۰	کسروی..... ۱۳۹
توجه کسروی به مشکل	خاتمه کار کسروی..... ۱۴۰
خاتمیت..... ۱۱۱	تصمیم به اعدام کسروی..... ۱۴۶
نحوه عبور کسروی از دین..... ۱۱۲	گورنایان کسروی..... ۱۴۹
کسروی چگونه پیغام‌ور شد..... ۱۱۵	میراث بازمانده کسروی..... ۱۴۹
کسروی پیغام‌ور فحاش..... ۱۱۶	همآهنگی کسروی با تاریخ‌نویسان
برنامه‌های پاک‌دینی..... ۱۱۹	تحریف‌گر..... ۱۵۱
روش کسروی در بی‌اعتبار ساختن	تاریخ‌نگاری کسروی..... ۱۵۵
قرآن..... ۱۲۲	آغاز کتاب نبرد بای دینی... ۱۶۹
کسروی و انکار مهدویت..... ۱۲۵	
توجه کسروی به مشکل آفرینی کربلا	